

## گروه کلمه چیست؟

به بخش دوم یک املائی تقریری که در زیر آمده است، توجه کنید :

نقضِ غرض، سخنِ نغز، عصیان و سرکشی، صحت و سقم و...

□ این ترکیب‌ها کلمه نیستند؛ زیرا هر کدام از دو یا بیش از دو کلمه تشکیل شده

است: نقضِ غرض: از مضاف، نقشِ نمای اضافه و مضافُ الیه. سخنِ نغز: موصوف،

نقشِ نمای اضافه و صفت. عصیان و سرکشی: معطوفُ علیه، حرفِ عطف، معطوف. صحت و

سقم: معطوفُ علیه، حرفِ عطف و معطوف.

□ این‌ها جمله هم نیستند؛ زیرا استقلال فعلی و اسنادی ندارند. اگر می‌گفتیم

«غرضِ نقض شده است. سخنش نغز است. هم عصیان است و هم سرکشی. از صحت و

سقم آن خبر ندارم.» با جمله سروکار داشتیم.

به چنین ترکیب‌هایی که نه کلمه‌اند و نه جمله «گروه کلمه» گفته می‌شود. گروه کلمه یا

گروه واژه معمولاً یا مضاف و مضافُ الیه هستند (نقضِ غرض)، یا موصوف و صفت (سخن

نغز)، یا مترادف (عصیان و سرکشی) و یا متضاد (صحت و سقم) یا...

□ «گروه کلمه»‌ها برای املائی تقریری جنبه‌ی تکمیلی و ترمیمی دارد. توضیح آن‌که

اگر متن انتخاب شده از چندین درس، چنان‌که باید متناسب با سطح علمی و مهارتی دانش‌آموزان

نباشد و اهمیتِ املائی کافی را نیز نداشته باشد، می‌توان با اضافه کردن چندین «گروه کلمه» -

حداً کتر بیست مورد - متن یاد شده را تعدیل و متناسب کرد. شاخصه‌ی «گروه کلمه»‌های

املا این است که گویا و واضح باشد و به پرسش مقدر ما پاسخ دهد؛ مثلاً اگر گفته شود

«نقض»، جای سؤال است که کدام نقض و در چه معنایی؟ اما وقتی گروه کلمه‌ی نقضِ غرض

یا سخنِ نغز مطرح می‌شود، توضیح و قرینه‌ی لازم برای درست نوشتن وجود دارد.

گاهی در بخش پایانی املاّی تقریری از «گروه کلمه» استفاده می‌شود تا :

- متن‌های ساده‌ی املاّی برای ارزش‌یابی تعدیل و مناسب گردند.
- کلماتی که اهمّیت املاّی دارند و در متن املاّی منظور نشده‌اند، مورد ارزش‌یابی قرار گیرند.
- از جمله‌سازی و املاّی تلفیقی ( املاّی خارج از متون مصوّب کتاب) جلوگیری شود.

### فعالیّت

از متن درس‌های نوزده تا آخر کتاب‌های زبان و ادبیّات (۱) با استفاده از گروه کلمات زیر املا بنویسید.

### «گروه کلمه»ها برای املاّی شماره‌ی چهار

تقاضای صدور کارت، پیام تسلیت، اشتغال به تحصیل، تعارفات بیهوده، تملّق و چرب‌زبانی، حاشیه‌گذاری کتاب، شجاع و سلحشور، صبر و اجر، ابراز مسرّت، انتصاب به‌جا، مراسم افطار، تجهیز و تقویت، متمّم قیدی، شکل مکتوب و ملفوظ، تغییر و تحوّل، حوزه‌ی معنایی، ترادف و تضاد، تضمّن و همراهی، برهه‌ای از زمان، سطور مرتّب و منظم، قریحه‌ی دروغین، نظم و انضباط، دور و برحذر، نقض غرض، نغز و دلکش، معطوف و معطوف‌علیه، دارالمعلمین، مبارز و اصلاح‌طلب، کرنش و تعظیم، عریضه‌چی دربار، هدیه و تعارف، استبداد صغیر، مُحال و غیرممکن، تغزّلات سنتّی، نفوذ استعمار، شأن و منزلت، حسب حال نویسی، تشویش و دغدغه، ناتوانی و عاجزی، خورجینک سفر، ابوالفتح علی‌بن‌احمد، نامه و رقعّه، بحقّ الحقّ و اهله، آسایش و فراغ‌بال، دَلاک و قیّم، جلّ جلاله و

عَمَّ نَوَالُهُ، حِجَّ گَزَارَانِ اَهْلِ قَلَمٍ، رَوِيْدَادٍ وَ وَاقِعِهِ، بَحْرٍ دَرِ كَوْزِهِ، زَمْرَمِهِ وَ كَفْتِ وَگُو،  
قَبْرِسْتَانِ بَقِيْعٍ، لِحْظِهِ وَ وِصَالٍ، تَحْسِيْنِ وَ اِعْجَابٍ، عَشْقِهِ وَ پِيْچَكِ، غَمْگِيْنِ وَ مَغْمُوْمِ، مَابِعِ  
خَنَكِ، عِلْفِ هَايِ مَزَارِعِ، مَتَوَقَّعِ وَ خَوَاسْتَارِ، مَصْمَمِّ وَ قَاطِعِ، بَرَقِ وَ الْكَتْرِيسِيْتِهِ، مَزَايَا وَ  
مَحَاسَنِ، جَذْبِهِ وَ تَاثِيْرِ، مِعَاشِرَتِ هَمْسَايْگَانِهِ، كُوْشِهِ وَ بِيْغُوْلِهِ، بَحْرَانِ بَلُوْغِ، حَقُوْقِ شَنْدَرْغَازِ،  
اُخْتِ وَ مَانُوْسِ شَدَنِ، عَنَاوِيْنِ وَ الْقَابِ، تَرَهْ بَارِ وَ بُشْنِ، غَمِ غَرِيْتِ، زَنْدِگَانِيْ بِيْ تَلَاظِمِ، طَمَأْنِيْنِهِ وَ  
آرَامَشِ، مَجْسَمِهِ فِرَاعِنِهِ، دَرِخْتِ تَلَاجَنِ، دَرَنْگِ وَ تَأْنِيْ، نَقَايِصِ جَسْمِيْ، تَنْگِيْ مِعِيْشَتِ،  
شِبْهِ قَاْرَهِيْ هَنْدِ، شَقَايِقِ نُعْمَانِيْ، سَرِشْتِ وَ فَطْرَتِ، غَمِ اَغْيَارِ، مَأْمَنِ وَ پَنَاهْگَاهِ، صَحْرَايِ خْتَنِ،  
ضَمِيْرِ وَاْرِسْتِهِ، تَازْگِيْ وَ طَرَاوَتِ، خُوْشَايَنْدِ وَ فَاْرَمِ، سَرْسَانَ وَ حِيْرَتِ زَدِهِ، لَطَاْفَتِ وَ ظَرَاْفَتِ،  
قَبْحِ وَ زَشْتِيْ، اَوْجِ سَمَا، بَخْشِشِ وَ عَطَا، عَجِيْنِ وَ اَمِيْخْتِهِ، هَوَا وَ هُوْسِ، طَاغُوْتِ خُوْدِ پَرِسْتِيْ.

## نقش نما

از جمله مشایخ صوفیه که از تعلیمِ غزّالی تأثیر پذیرفته‌اند، می‌توان عبدالقادر گیلانی را نام برد.

۱) گروه اسمی «تعلیمِ غزّالی» چه نقشی در جمله دارد؟

۲) در گروه اسمی «تعلیمِ غزّالی»، «غزّالی» چه نقشی دارد؟

۳) نقش «عبدالقادر گیلانی» چیست؟

ساده‌ترین راه برای یافتن پاسخ درست پرسش‌های بالا چیست؟ **توجه دقیق به نشانه‌ها**. مثلاً وجود کلمه‌ی «از» پیش از گروه اسمی «تعلیمِ غزّالی» نشانه‌ی **متمّم** بودن آن است. وجود نشانه‌ی «-» (نقش نمای اضافه) پیش از «غزّالی» نشانه‌ی **مضاف‌الیه** بودن آن است.

وجود نشانه‌ی «را» مفعول بودن عبدالقادر گیلانی را می‌رساند.

این گونه واژه‌ها را **نقش نما** می‌نامیم.

نقش نماها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱) را

۲) نقش نمای اضافه

۳) حرف اضافه

۴) حرف ربط (پیوند)

۵) نشانه‌ی ندا

### فعالیت

با ذکر مثال درباره‌ی جایگاه هر یک از این نقش نماها گفت‌وگو کنید.

(۱) را :

«را» پس‌واژه‌ی مفعولی است. بعد از گروه اسمی می‌آید و نشانه‌ی معرفه بودن مفعول است.

برهن بدون آن که نگاهش را از روی آن مشت استخوان بردارد، ساکت شد. بعد نفس را در سینه حبس کرد؛ حرکت قلب خود را خفه نمود و حتی فکر خود را هم از کار انداخت.

(۲) نقش‌نمای اضافه :

این نشانه بعد از اسم می‌آید و کلمه‌ی بعد از آن مضاف‌الیه یا صفت است. آن نزدیکان — بی‌بصر و دوران — باخبر که در آن روزگاران، گوش به سخن — شیخ — شیراز می‌نهادند، اکنون همه رفته‌اند و از آن‌ها نشانی نمانده است. کسره‌ی اضافه، نقش‌نمای مضاف‌الیه یا صفت است.

(۳) حرف اضافه :

حرف اضافه، پیش‌واژه‌ی متمم‌ساز است. متمم پس از حرف اضافه می‌آید؛ به عبارت دیگر، هر گروه اسمی که پس از حرف اضافه بیاید، متمم است. حرف اضافه نشانه‌ی متمم است.

موضوع مسابقه را از دوستم پرسیدم.

امروز شاگرد اول مدرسه را به دانش‌آموزان معرفی کردند.

حرف‌های اضافه عبارت‌اند از : به، از، با، در، بر، برای، مانند، ...

(۴) حرف ربط (پیوند) : حرف ربط (= پیوند) نقش‌نما دو گونه است :

الف : نقش‌نمای جمله‌های وابسته (پیوندهای وابسته ساز) :

او را نصیحت کردم تا بیشتر تلاش کند.

چون شما اصرار کردید، ایشان هم آمدند.

اگر ایرانی آباد و مستقل می‌خواهیم، باید نسلی شجاع و آزاده تربیت کنیم.

پیوندهای وابسته‌ساز پرکاربرد عبارت‌اند از : که، تا، چون، زیرا، اگر، باین‌که،

تااین‌که، همین‌که، گرچه ...

ب : نقش نمای جمله‌های هم‌پایه (پیوندهای هم‌پایه‌ساز) :  
 هوا سرد بود و برف نرمک نرمک می‌بارید.  
 جمعه‌ی گذشته به کوه‌نوردی رفتیم **اما** حسین نیامد.  
 درد نادانی بسیار بزرگ است **ولی** هم‌نشین نادان بودن از آن هم بزرگ‌تر  
 است.  
 پرکاربردترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارت‌اند از : **و، اما، ولی، یا، ...**<sup>۱</sup>

دوجمله را که با پیوند هم‌پایه‌ساز به هم پیوندند، جمله‌های هم‌پایه  
 می‌گوییم.

(۵) نشانه‌ی ندا :

در زبان فارسی سه نشانه داریم که با آن‌ها کسی یا چیزی را صدا می‌زنیم: **آی،**  
**ای، یا**

این واژه‌ها را **نشانه‌ی ندا** می‌گوییم و اسمی را که همراه آن‌ها می‌آید، **منادا**  
 می‌خوانیم.

**ای خدای بزرگ!**

**یا امام هشتم!**

**آی مردم!**

هم‌چنین است مصوّت «آ» در پایان برخی از اسم‌ها؛ مانند :  
**خدایا! پروردگارا!**

(۱) این پیوندها اگر بین دو یا چند اسم بیابند، نقش همه‌ی آن اسم‌ها یکی است :  
علی و حسن و احمد به مدرسه رفتند. در این جمله اسم‌های مشخص شده نهادند.

## بیاموزیم

کدام یک از دو جمله‌ی زیر درست‌تر است؟  
الف) در کتابخانه هم دانش‌آموزانِ سالِ اوّل مطالعه می‌کردند هم دانش‌آموزانِ سالِ دوم.

ب) در کتابخانه هم دانش‌آموزانِ سالِ اوّل مطالعه می‌کردند هم دانش‌آموزانِ سالِ دوم مطالعه می‌کردند.

با توجه بیشتری به مثال‌های بالا درمی‌یابیم که جمله‌ی «الف» بهتر و صحیح‌تر است؛ زیرا در آن از تکرار فعل «مطالعه می‌کردند» خودداری شده و یکی از آن‌ها به قرینه حذف شده است. پس آوردن دو فعل مشابه در یک جمله‌ی مرکب «حشو» و زاید است. و به کاربردن آن توصیه نمی‌شود.

جمله‌ی «الف» را به صورت زیر نیز می‌توانیم بنویسیم:  
در کتابخانه هم دانش‌آموزانِ سالِ اوّل و هم دانش‌آموزانِ سالِ دوم مطالعه می‌کردند.

اکنون به دو مثال زیر توجه کنید:

الف) هم آنان درباره‌ی مطبوعات مقاله نوشتند هم ما نوشتیم.

ب) هم آنان درباره‌ی مطبوعات مقاله نوشتند هم ما.

جمله‌ی الف درست‌تر است زیرا کلمات «آنان» و «ما» که نهاد هستند

هر یک با فعل مناسب خود یعنی «نوشتند» و «نوشتیم» آمده‌اند.

## خودآزمایی

۱) حروف ربط (پیوندها) وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز را در نوشته‌های زیر مشخص کنید.  
اگر زبان فارسی از میان رفته بود، ما امروز آثار گران‌بها و ارزنده‌ای همچون مثنوی، گلستان و دیوان حافظ نداشتیم.  
سعدی، اگر به درگاه بزرگان می‌رفت، غالباً برای آن می‌رفت که مگر ستمکاری را از تعدی به مظلومی باز دارد یا چاره‌ای برای بی‌چاره‌ای بجوید.  
سعدی نویسنده است و شاعر اما در نویسندگی، شهرتش بیشتر به سبب گلستان است؛ در صورتی که به جز آن کتاب‌های دیگری نیز دارد.  
با آن که بیشتر عمر ملک‌الشعراى بهار در مطالعات ادبی گذشت، از توجه به آزادی و آزادی‌خواهی لحظه‌ای غافل نبود.

۲) جاهای خالی نوشته‌های زیر را با نقش نمای مناسب پر کنید.  
اولین روزی که ... دیدن دوستم رفتم، او را ... مزرعه سرگرم کار دیدم.  
فردوسی سی سال از عمر گران‌بهای خود ... صرف سرودن شاهنامه کرد.  
علامه دهخدا امثال و حکم فارسی ... در چهار جلد نوشت.  
نهاد، کلمه ... گروهی از کلمات است ... درباره‌ی آن خبر می‌دهیم.

۳) واژه‌های «برادر»، «ایران»، «فردوسی»، «ادبیات» را با نقش نماهای (را، کسره، حرف اضافه و حرف ندا) در جمله‌های جداگانه به کار ببرید و مفعول، مضاف‌الیه، متمم و منادا بسازید.

مثال: ای برادر! چرا از وظیفه‌ات روی گردانی؟  
برادر = منادا  
مسلمان، باید گرفتاری برادر مسلمانش را رفع کند.  
برادر = مضاف‌الیه  
از برادرت روش درست درس خواندن را یادبگیر.  
برادر = متمم  
برادرت را دیدم.  
برادر = مفعول

۴) یک آغاز و یک پایان مناسب برای نامه‌ای دوستانه بنویسید.